



♦ وحید کاظم زاده قاضی جهانی

شکل گیری مثلث RICH گامی به سوی جهان قطبی

یکه تازی‌ها و خودمحموری دولت ایالات متحده آمریکا در مواجهه با رخدادها، معضلات و ناهنجاری‌های جهانی همچون مساله افغانستان و عراق بدون توجه به افکار عمومی جهانیان و نقش سازمان‌های بین‌المللی، جریانی است که با پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ تشدید شد و آمریکا به عنوان قدرت مسلط اقتصادی و نظامی جهان که به تنهایی یک چهارم اقتصاد دنیا را در حیطه خود داشت توانست خود را به عنوان تنها ابرقدرت جهان معرفی نماید. جریانی که سردمداران کاخ سفید با حذف ابرقدرت شرق، همواره با هدف تک قطبی سازی جهان سعی در تحمیل شرایطی بر جهان، تحت عنوان نظم نوین جهانی داشته و پیدایش و قدرت گرفتن اتحادیه اروپایی به عنوان قدرت جدید حفظ توازن سیاسی و اقتصادی و دو قطبی سازی، نه تنها از التهاب آن نکاسته بلکه به دلایل گوناگون همچون ضعف و انفعال و قرار گرفتن انگلستان در این اتحادیه، به عنوان شریک دیرینه آمریکا که پیوندهای نژادی، سرزمینی، نظامی و تجاری نزدیکی دارند این اتحادیه در قالب و نقش پادویی

برای آمریکا بیش نبوده و به عنوان تسهیل کننده سیاست‌های کاخ سفید عمل نموده است. در طول یک دهه گذشته، با تلاش‌های مستمر کشورهای روسیه و چین به عنوان ابر قدرت اقتصادی و نظامی در اروپای شرقی و شرق آسیا جهت چند قطبی سازی، این نظریه در افکار عمومی جهان شکل یافته است که این دو کشور به دنبال تشکیل قطبی واحد برای رویارویی با

◀◀ روسیه، ایران و چین در صورت همگرایی و تشکیل مثلثی در قلب آسیا می توانند مقاصد خویش را جهت چند قطبی سازی جهان، مقابله با یک جانبه گرایی و مقاصد هژمونیک جهانی آمریکا، رقابت با اتحادیه اروپایی و جلوگیری از گسترش ناتو دست یابند ■

برنامه اصلاحات دموکراتیک ایالات متحده بوده و در صدد ایجاد جبهه‌های واحد جهت کاستن از قدرت و تحلیل بازوی نظامی اروپا و آمریکا تحت عنوان پیمان آتلانتیک شمالی (NATO) می‌باشند. به عقیده صاحب‌نظران، دو کشور یاد شده در این عرصه توفیقی نخواهد یافت مگر این که متحدان قدرتمند دیگری از جنس مخالفان آمریکا همچون ایران در این جبهه جای دهند، کشوری که سیاست‌های همسویی با دو کشور روسیه و چین در قبال مسایل مختلف همچون؛ برنامه صلح خاورمیانه، اصلاحات و دموکراسی آمریکایی، نظم نوین جهانی، مسایل حقوق بشر، سیاست یک چین واحد، مبارزه با تروریسم، برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی، جدایی طلبان چین و تایوان، گسترش ناتو و قدرت طلبی آمریکا در خاورمیانه، جنوب شرقی آسیا و آسیای میانه دارد.

به باور این قلم، جمهوری اسلامی ایران، اشتراکات فراوانی با دو کشور روسیه و چین دارد و سه کشور هر کدام به‌نحاه مختلف با آمریکا دشمنی و درگیری استراتژیک زیادی دارند و در ورای این نقاط مشترک، هر کدام دارای فاکتورهای منحصر

به فردی هستند که می‌تواند با به هم پیوستن آنها در یک جبهه، یک قطب و قدرت بی‌بدیل به وجود آید که در ادامه به سر فصل برخی از این فاکتورها اشاره می‌گردد.

روسیه و ضرورت اتحاد

فدراسیون روسیه وسیع‌ترین کشور جهان است چنانچه دو برابر ایالات متحده و چهار برابر اتحادیه اروپایی وسعت دارد و صاحب اولین و بزرگ‌ترین ذخایر گاز طبیعی جهان (در حدود ۳۳ درصد) می‌باشد و بعد از کشورهای عربستان و نروژ به عنوان سومین دارنده و تولیدکننده نفت خام جهان محسوب شده و دارای دومین تکنولوژی نظامی و تسلیحاتی مجهز پس از ایالات متحده بوده و با ذخایر عظیم اورانیوم جزو ده کشور صاحب تکنولوژی و فناوری هسته‌ای می‌باشد و با فروش سالیانه ۱۷ درصد سلاح به جهان، متأسفانه تولید ناخالص ملی آن در حد و اندازه‌ها و شان چین کشور بزرگی نبوده و با سیاست‌های اصلاحاتی و فزون طلبانه آمریکا هر روز بیش از پیش در تنگنا قرار گرفته و از نفوذ سیاسی‌اش در خاورمیانه، آسیای میانه و کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق کاسته می‌شود و به رغم داشتن حق و تو در شورای امنیت سازمان ملل متحد در تصمیم‌گیری‌های بزرگ جهانی نادیده گرفته می‌شود، لذا از برآیند مطالب چین بر می‌آید که این کشور نیازمند هم‌پیمانان جدید و قوی همچون چین و ایران می‌باشد.

چین متحد بعدی

جمهوری خلق چین از نظر وسعت سومین و به لحاظ جمعیت، پرجمعیت‌ترین کشور جهان بوده و به همراه هنگ کنگ با اقتصاد رو به رشد خوبی، عنوان دومین قدرت اقتصادی آسیا را بعد از ژاپن یدک می‌کشد ولی متأسفانه به رغم دارا بودن ثمرات ارتش چشمگیر، از داشتن تکنولوژی نظامی و تسلیحاتی بی‌بهره بوده و به عنوان سومین مصرف‌کننده بزرگ نفت جهان همواره در برابر چالش‌های نفتی دست به گریبان می‌باشد و می‌تواند به وسیله همگرایی یا دو کشور روسیه و ایران بر این مشکلات فایق آید.

... و اما ایران

جمهوری اسلامی ایران، از نظر وسعت و

جمعیت شانزدهمین کشور جهان بوده و با ۲۸ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی، ۱۸ درصد ذخایر گاز طبیعی جهان و ۱۴۰ میلیارد بشکه نفت خام، ۱۶ درصد ذخایر نفت خام جهان را دارا بوده و به عنوان دومین تولیدکننده نفت اوپک (OPEC) پس از روسیه دومین ذخایر گاز جهان را دارا است و همچون آمریکا و روسیه با ذخایر عظیم اورانیوم توانسته خود را در جمع ۱۰ کشور صاحب فناوری هسته‌ای جای دهد. ایران با ۳۷ میلیارد دلار، بیست و چهارمین ذخایر ارز و طلای جهان و عنوان هجدهمین قدرت اقتصادی جهان را به همراه داشته و در راس سازمان همکاری اقتصادی اوکو و از موثرترین اعضای جنبش عدم تعهد (NAM) و سازمان کنفرانس اسلامی محسوب می‌گردد که به جرات می‌توان ادعا نمود که هدایت فکری بیش از نیمی از ۱/۵ میلیارد مسلمان جهان را رهبری می‌کند و در طول سه دهه گذشته نشان داده است که تحریم‌های ایالات متحده نه تنها در عزم مردم و دولت آن خللی ایجاد نکرده بلکه آنها را نسبت به آینده امیدوارتر و مصمم‌تر نموده است.

نویسنده این ستور بر این باور است که سه کشور روسیه، ایران و چین در صورت همگرایی و تشکیل مثلثی در قلب آسیا به عنوان "اتحاد RICH" با هدف اتخاذ سیاست‌های مشترک در امور خارجی و دفاعی، گسترش هر چه بیشتر همکاری‌های علمی، اطلاعاتی، اقتصادی و مالی و اتحاد برنامه‌های هماهنگ و مشترک در زمینه مبارزه با مواد مخدر می‌توانند به مقاصد خویش جهت چند قطبی سازی جهان، مقابله با یک جانبه گرایی و مقاصد هژمونیک جهانی آمریکا، رقابت با اتحادیه اروپایی و جلوگیری از گسترش ناتو دست یابند و در فاز دوم این پیمان، پیوستن کشورهای همچون هند، اندونزی، مالزی، تایلند، عربستان سعودی و کره جنوبی از آسیا و کشورهای آفریقای جنوبی، الجزایر و مصر از آفریقا و کشورهای برزیل و ونزوئلا از آمریکای جنوبی قابل پیش‌بینی است که می‌تواند در بالا بردن قدرت چانه‌زنی اقتصادی و نظامی این مثلث در رویارویی با دو قطب دیگر موثر افتاده و از این طریق بتواند با مدیریت صحیح بر آسیا، گامی به سوی جهان چند قطبی بر دارد.



شرکت خدمات مسافرتی

اطلس (عضو یاتا)

شماره ثبت: ۷۵۴۰ تاریخ تاسیس: ۱۳۳۹/۷/۲۶

بیش از چهاردهه سابقه خدمت



خیابان میرداماد، میدان مادر (محسنی)، خیابان شهید شاهنظری

پلاک ۴۱ صندوق پستی: ۱۹۹۱-۱۴۱۵۵

تلفن: ۲۲۲۲۱۰۲۶ - ۲۲۲۷۰۰۶۱ - ۲۲۲۷۰۰۶۲

فاکس: ۲۲۲۷۰۰۶۳